

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده علوم انسانی

گروه علمی ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی، تحلیل و نقد مجموعه آثار محبوبه میرقدیری و
مهسامحب علی (نقش و جایگاه زن و سیمای هویت زنانه

در ادبیات داستانی معاصر)

استاد راهنما: دکتر مصطفی گرجی

استاد مشاور: دکتر قدرت ا... طاهری

نگارش: معصومه بهرامی

بهمن هشتاد و هشت



دانشگاه پیام نور

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده علوم انسانی

گروه علمی ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی، تحلیل و نقد مجموعه آثار محبوبه میرقدیری و
مهسامحب علی (نقش و جایگاه زن و سیمای هویت زنانه
در ادبیات داستانی معاصر)

استاد راهنما: دکتر مصطفی گرجی

استاد مشاور: دکتر قدرت ا... طاهری

نگارش: معصومه بهرامی

بهمن هشتاد و هشت

تقدیم به:

پدر و مادر مهربان و دلسوز

و

همسر عزیزم

سپاس

ورود به حیطه پژوهش کارچندان مشکلی نیست؛ همه ما از سالهای ابتدایی تحصیل، نگارش مقاله ی تحقیقی را تجربه

کرده ایم. اما پژوهش به روش علمی و محققانه کاری جدی و زمان بر است که بدون پشتوانه افراد صاحب نظر و کارشناس، بی

نتیجه و یا حداقل بدون نتیجه مفید و رضایت مند می ماند.

پژوهش حاضر که می توان آن را سیاه مشق ابتدایی یک دانش پژوه به معنای اخص کلمه نامید؛ اثری است که پس از

سالها تحصیل و مطالعه ، روش پژوهش و تحقیق را به من آموخت. به صراحت باید گفت این تحقیق (برخلاف تمام دروس

تئوری در مقاطع مختلف تحصیلی) نخستین کار پژوهشی - عملی بنده است که در آن می توان رد پای ایده و نظریه ای خاص

را مشاهده کرد.

بدون شک انجام این پژوهش در شکل کنونی - اگر موفقیت و سرانجامی عاید آن باشد - حاصل سعه صدر و بردباری

استاد محترم جناب آقای دکتر گرجی است که طی روند کار، همواره با عطف تمام، اینجانب را مورد لطف خود قرار داده، از

تکرار مکررات به ستوه نیامده و به راهنمایی های خود تا اتمام کار ادامه دادند؛ همچنین در این مجال، بایسته است از تذکرات

به موقع، استادانه، دقیق و راهنمایی های گره گشای جناب آقای دکتر طاهری و نیز برادران عزیزم رضا و مسعود بهرامی که

در تهیه منابع و ویرایش نهایی مرا یاری کردند قدردانی کرد؛ از تمام این بزرگواران سپاسگزارم و برای آنها بهروزی

و کامیابی آرزومی کنم.

چکیده

ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی، شاهد تحولی عمیق در زمینه های مختلف محتوایی، زبانی، سبکی و... بوده است. یکی از جریان های برجسته در دهه های اخیر به ویژه دهه آخر در حوزه داستان و رمان، حضور گسترده کمی و کیفی زنان است که بررسی و تحلیل این جریان به منظور کشف و نقد جریان شناسی داستان های معاصر ضروری به نظر می رسد. در این پژوهش نویسنده کوشیده است با بررسی و تحلیل مقایسه ای داستان های دو نویسنده زن (محبوبه میرقدیری و مهسا محب علی) به ارائه نقش و جایگاه زن و سیمای هویت زنانه در ادبیات داستانی پس از انقلاب بپردازد و مشکلات، مسائل و دغدغه های نویسندگان زن در این برهه را تبیین و بررسی کند. برای این اساس مهمترین موضوعات مربوط به هویت زن و زنانه در آثار میرقدیری، انعکاس تجربه های زنانه از جمله زایمان، عادت ماهانه، ازدواج، پیردختر و خشونت علیه زنان، از جمله تنبیه بدنی، تجاوز جنسی، زن دوم و در آثار محب علی تعامل با جهان مردانه از جمله سلطه مذکر، مردسالاری، مردستیزی و نوشتار زنانه از جمله جزئی نگری، لحن و سبک، تعبیر و اصطلاحات زنانه است. در مجموع هر دو نویسنده با قلم زنانه از جایگاه و موقعیت زن پس از انقلاب اسلامی سخن گفته و ناخرسندی و اعتراض خود را از مظلومیت زن در جامعه مردسالار ابراز داشته اند که در این تحقیق نویسنده به بررسی و تحلیل ابعاد و زوایای داستان های این دو نویسنده با توجه به سیمای زن پرداخته است.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی معاصر - ادبیات فمینیستی - محبوبه میرقدیری - مهسا محب علی

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۴	فصل نخست: کلیات ، تعاریف و مفاهیم
۵	بخش اول : بیان مسئله و ...
۷	بخش دوم: چستی داستان و هویت زن در ادبیات داستانی انقلاب اسلامی
۷	الف: داستان
۹	ب: داستان کوتاه
۹	ج: رمان
۱۱	د: رمان و ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی
۱۱	ه : سیر هویت زن در ادبیات داستانی فارسی
۱۵	بخش سوم: فمینیسم
۱۵	الف: تاریخچه فمینیسم
۱۶	ب- فمینیسم و رابطه آن با ادبیات
۱۹	ج: شاخه های مهم فمینیسم
۲۵	د: اصول اساسی فمینیسم
۳۸	ه: مشاهیر و بنیان گذاران فمینیسم
۴۱	فصل دوم (میرقدیری)
۴۲	زندگی نامه و آثار
۴۳	بخش اول : شناس

۴۴	مقدمه
۴۶	گزارشی از مجموعه داستان ها
۴۹	تحلیل مجموعه باتاکیدبر مؤلفه های زنانه
۵۸	تحلیل نهایی مجموعه
۶۱	بخش دوم: روی لبهاشان خنده بود
۶۲	مقدمه
۶۴	گزارشی از مجموعه داستان ها
۶۸	تحلیل مجموعه باتاکیدبر مؤلفه های زنانه
۷۵	تحلیل نهایی مجموعه
۷۸	بخش سوم: پولک سرخ
۷۹	مقدمه
۸۰	خلاصه داستان
۸۰	دورنمای کلی
۷۵	شخصیت پردازی
۹۰	تحلیل داستان باتاکیدبر مؤلفه های زنانه
۹۶	تحلیل نهایی رمان
۹۹	بخش چهارم: خانه ی آرا
۱۰۰	مقدمه
۱۰۱	خلاصه داستان
۱۰۱	دورنمای کلی

۱۰۴	شخصیت پردازی
۱۰۶	تحلیل داستان باتاکید بر مؤلفه های زنانه
۱۰۸	تحلیل نهایی رمان
۱۱۰	بخش پنجم: و دیگران
۱۱۱	مقدمه
۱۱۲	خلاصه داستان
۱۱۲	دورنمای کلی
۱۱۸	شخصیت پردازی
۱۲۲	تحلیل داستان باتاکید بر مؤلفه های زنانه
۱۳۱	تحلیل نهایی رمان
۱۳۴	بخش ششم: بررسی و تحلیل مجموعه آثار محبوبه میرقدیری
۱۴۰	فصل سوم (مهسا محب علی)
۱۴۱	زندگی نامه و آثار
۱۴۲	بخش اول: صدا
۱۴۳	مقدمه
۱۴۴	گزارشی از مجموعه داستان ها
۱۴۵	تحلیل مجموعه با تاکید بر مؤلفه های زنانه
۱۴۷	تحلیل نهایی مجموعه
۱۴۸	بخش دوم: عاشقیت در پاورقی
۱۴۹	مقدمه

۱۵۱	گزارشی از مجموعه داستان ها
۱۵۵	تحلیل مجموعه باتاکید بر مؤلفه های زنانه
۱۶۰	تحلیل نهایی مجموعه
۱۶۲	بخش سوم: نفرین خاکستری
۱۶۳	مقدمه
۱۶۵	خلاصه داستان
۱۶۶	شخصیت پردازی
۱۶۷	تحلیل داستان باتاکید بر مؤلفه های زنانه
۱۷۰	تحلیل نهایی داستان
۱۷۱	بخش چهارم: بررسی مقایسه ای مجموعه آثار مهسا محب علی
۱۷۶	فصل چهارم: جمع بندی
۱۸۲	فهرست منابع
۱۸۵	چکیده لاتین

مقدمه

حضور گسترده زنان در عرصه ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی، سبب شده است داستان نویسی این عصر به سمت وسویی جدید گام بردارد و مسائلی را مطرح کند که پیش از این، در حوزه زنان مطرح نمی شده یا اگر هم مطرح می شده تنها در لفافه صورت می گرفته است. اما آثاری که از زنان، در دوران پس از انقلاب منتشر شده (خصوصاً آثار داستانی) نشان دهنده شکل گیری جریانی است که نیاز به بررسی ویژه دارد؛ در پژوهش حاضر سعی می شود تا به مسئله علل حضور گسترده زنان در ادبیات داستانی پس از انقلاب، نوع نگاه جنس مؤنث، مضامین، اشتراکات، موضع یک زن نویسنده و نوع کنش وی نسبت به متغیرات جامعه به بحث گذاشته شود؛ تا در نهایت تصویر زنی که نویسندگان منتخب، در مجموعه آثار خود ارائه کرده اند ترسیم گردد.

براین اساس در فصل نخست با توجه به ظرف زمانی پژوهش (دوران پس از انقلاب اسلامی) و دو ژانر ادبی که دونویسنده برای خلق آثار خود برگزیده اند (رمان و داستان کوتاه) و نیز رویکرد اصلی تحقیق که رویکردی فمینیستی است بخش های زیر شکل گرفته است:

- بخش نخست: بیان مسئله، سوالات اصلی تحقیق، فرضیات، هدف از انتخاب موضوع، پیشینه تحقیق و روش

- بخش دوم: چستی داستان و سیرهویت زن در ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی

- بخش سوم: فمینیسم در زیر بخش های الف- تاریخچه فمینیسم ب- فمینیسم و رابطه آن با ادبیات ج- شاخه

های اصلی فمینیسم د- اصول اساسی فمینیسم ه- مشاهیر و بنیانگذاران فمینیسم

پس از آن در فصل دوم به بررسی تک تک و سپس مقایسه ای مجموع آثار محبوبه میرقدیری در قالب شش

بخش شناس، روی لبهاشان خنده بود، پولک سرخ، خانه ی آرا، و دیگران و بررسی مقایسه ای مجموعه

آثار میرقدیری خواهیم پرداخت.

در فصل سوم نیز مجموعه آثار (مهسا محب علی) در پنج بخش صدا، عاشقیت در پاورقی، نفرین خاکستری و بررسی

مقایسه ای مجموعه آثار محب علی بررسی خواهد شد.

سپس در فصل چهارم که فصل پایانی پژوهش خواهد بود؛ بررسی مقایسه ای مجموعه آثار دو نویسنده و در نهایت سیمای ارائه شده از زن پس از انقلاب اسلامی توسط این دو نویسنده ترسیم خواهد شد. امید که این پژوهش بتواند در ارائه ی تصویری صحیح از زن در دوران پس از انقلاب، خواسته ها، تمایلات و دغدغه های اصلی وی موفق باشد.

زنان متفاوت می نویسند اما نه به این دلیل که به لحاظ روان شناسی با مردان فرق دارند بلکه به این دلیل که موقعیت اجتماعی متفاوتی دارند و هنگامی که سرانجام به کسب تساوی اجتماعی و اقتصادی با مردان نائل شوند، هیچ مانعی نمی تواند از تکامل آزادانه استعدادهای هنری آنان جلوگیری کند.

(هانس برتنس)

فصل نخست

(کلیات، تعاریف و مفاهیم)

بخش اول

الف- بیان مسئله و...

یکی از جریان‌های مهم ادبی در ادبیات داستانی سده اخیر به ویژه پس از انقلاب اسلامی، چاپ و انتشار داستان‌هایی است که درباره زن یا به قلم زن (ادبیات فمینیستی) نوشته شده است. البته تعداد و تکرار این نوع به نسبت دهه‌های قبل، از یک سو و حجم و انبوه این نوع نسبت به سایر انواع داستان‌های دهه‌های اخیر، معلول عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که در جامعه شناسی ادبیات بحث و بررسی می‌شود. آنچه در این میان، قابل تأمل ویژه است، تمرکز و تعهد این دسته از آثار، علاوه بر توجه به عناصر عمومی داستان- البته با لحن و بیان زنانه- بر نکاتی است که ناشی از شخصیت و روحیه خاص زنان ایرانی در دهه‌های اخیر می‌باشد، تا حدی که می‌توان یکی از جریان‌های عمده داستان نویسی پس از انقلاب را ادبیات فمینیستی دانست. در یک نگاه کلی به این نوع از داستان‌ها، باید گفت مشخصه عمده این نوع در این است که نویسنده زن، پس از سال‌ها و بلکه قرن‌ها خاموشی در تاریخ مذکر مرد محور و پس رانده شدن و لاجرم سرخوردگی و در حاشیه ماندن سعی می‌کند خود، هویت و صدای خود را به گوش دیگران برساند و از حاشیه به متن زندگی گام نهد.

با این نگاه کلی در این پژوهش برآنیم تا با بررسی نظریات فمینیستی و میزان کمی و کیفی انعکاس آنها در آثار مورد نظر، سیما و هویت زنان ایرانی را در مجموعه آثار نویسندگان زن پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر آثار دو نویسنده، محبوبه میرقدیری و مهسا محب علی) بررسی، تحلیل و نقد کنیم.

ب- سوالات اصلی تحقیق

- ۱- علل جریان ساز شدن ادبیات فمینیستی در ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی چیست؟
- ۲- با توجه به تعدد و تکرار ادبیات داستانی با محوریت زن، پس از انقلاب اسلامی، جایگاه داستان‌های محبوبه میرقدیری و مهسا محب علی در این میان چگونه است؟
- ۳- آیا بین آثاری که به قلم زن و درباره زن (توسط نویسندگان حاضر) نوشته شده با آثاری که توسط مرد

درباره زن نوشته شده تفاوت بارز و برجسته ای مشاهده می شود؟

۴- وجوه اشتراک و افتراق این دو نویسنده با توجه به مسائل مربوط به زن و هویت زنانه چیست؟

ج- فرضیات

۱- مهمترین عامل رونق و تکثر این نوع در دهه های اخیر، تحولات کلان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و

لاجرم جریاناتی است که در راستای تثبیت هویت زن به وجود آمده است.

۲- با توجه به مجموع آثار دو نویسنده (محب علی و میرقدیری) این نویسندگان به دلیل توجه دقیق و

موشکافانه به مسائل و مشکلات زنان و دختران و تثبیت حقوق زن در جامعه با لحن و بیان زنانه از

نویسندگان برتر پس از انقلاب اسلامی در این حوزه می باشند.

۳- تجربه شخصی و یا حتی نمونه واقعی شخصیت ها در زندگی دو نویسنده در خلق چنین رمان هایی تأثیر

جدی و برجسته داشته است و همسویی این آثار نشأت گرفته از همین نگرش می باشد.

۴- با توجه به مجموعه آثار میرقدیری، نظریات فمینیستی در رمان «ودیگران» به نسبت دیگر آثار او و آثار

محب علی انعکاس بیشتری یافته است.

د- اهداف

۱- بررسی تحولات و کشف لایه های پنهان شخصیت و هویت زن پس از انقلاب در آثار ادبی داستانی

۲- مقایسه و تطبیق تصویر ارائه شده از زن در آثار محب علی و میرقدیری

۳- مقایسه و تطبیق تصویر ارائه شده از زن در آثار محب علی و میرقدیری با آثار سایر داستان نویسان

۴- بررسی وجوه اشتراک و افتراق بین شخصیت ترسیم شده از زن در آثار داستان نویسان معاصر

۵- بررسی میزان انطباق شخصیت ارائه شده از زن در ادبیات داستانی معاصر با شخصیت زن در دنیای

امروزی.

ه- پیشینه تحقیق

تحقیق و بررسی پیرامون ادبیات داستانی معاصر، از جمله مقوله هایی است که حجم زیادی از کارهای تحقیقاتی حال حاضر ادبرمی گیرد؛ اما در این میان، بررسی علل و عوامل حضور فعال زنان در صحنه های فرهنگی و ادبی جامعه معاصر، مدخلی است که نیاز به تامل، مطالعه، تحقیق و بررسی بیشتر دارد. مراجعه به مراکز اطلاعات علمی از جمله مرکز آمار اطلاعات علمی ایران، مراکز تحقیقاتی از جمله پژوهشکده علوم انسانی و اساتید مجرب این مرکز حاکی از آن است که در حوزه واحد پایان نامه های دانشگاهی و کتاب های مشابه جزاثر منتشر شده خانم نرگس باقری با عنوان «زنان در داستان» اثر تحقیقاتی برجسته و منتشر شده دیگری در زمینه بررسی علل حضور زنان در ادبیات داستانی پس از انقلاب و سیمای هویت زنانه در این دوره (خصوصاً در مورد نویسنده پژوهش حاضر) صورت نگرفته است؛ امید که پژوهش حاضر بتواند در این راستا مژده و ثمر واقع گردد.

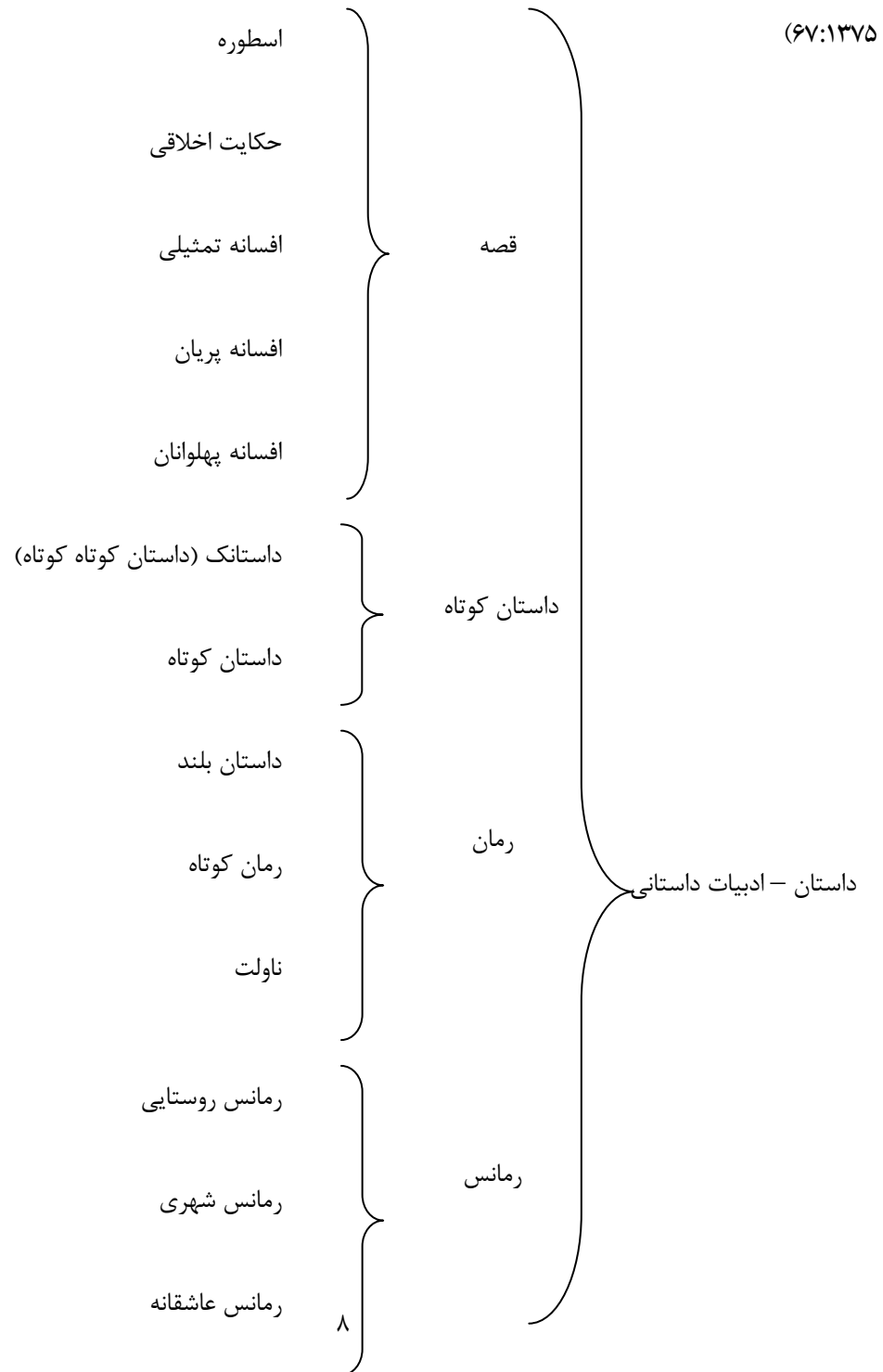
بخش دوم: چستی داستان و هویت زن در ادبیات انقلاب اسلامی

الف - داستان

در فرهنگ های فارسی از گذشته دور تا به امروز، اصطلاحات متداول و مرسوم برای ادبیات داستانی وجود داشته است؛ از جمله: داستان، قصه، افسانه، حکایت، سمر، سرگذشت، ماجرا، مثل، مثل، اسطوره، حدیث، انگاره، ظرافه، حسب احوال و ترجمه احوال که فرهنگ نویسان، وجوه افتراقی برای آنها قائل نشده اند و نمی توان در متن های ادبی داستانی گذشتگان نیز مفاهیم آنها را از هم جدا کرد. اما وجه اشتراک تمامی این اصطلاحات، جنبه خلاقه آنهاست. تفکیکی را که در حوزه ادبیات داستانی ایجاد شده است می توان با نسبت دادن آن به تاریخ مشخص کرد. به گونه ای که از آنچه پیش از مشروطیت به عنوان افسانه، حکایت، سرگذشت و ... شناخته شده است در اصطلاح قصه یاد کنیم و آنچه را از اواخر حکومت قاجار و پس از مشروطیت به ادبیات داستانی راه یافته و در واقع دستاورد تعامل با فرنگ است، تحت عناوین داستان کوتاه (short story) یا نوول (nouvelle) و رمان (novel) و هر دوی اینها را در مجموع ادبیات داستانی بنامیم. (میر صادقی، ۱۳۸۲: ۵۸)

داستان، عنصر مشترک تمام انواع ادبی خلاقه است. ای. ام. فورستر (رمان نویس و ادیب انگلیسی، در کتاب جنبه

های رمان) داستان را چنین تعریف می کند: داستان نقل وقایع است به ترتیب توالی زمان. در مثل ناهار پس از چاشت و سه شنبه پس از دوشنبه و تباهی پس از مرگ می آید. ادبیات داستانی، بر آثار منثوری دلالت دارد که از ماهیت تخیلی برخوردار باشند. غالباً به قصه، داستان کوتاه، رمان، رمانس و آثار وابسته به آنها ادبیات داستانی می-گویند و هر کدام از این انواع نیز خود متفرعاتی دارند که می توان آنها را در نمودار زیر نشان داد: (سرشار؛



با توجه به اینکه آثار مورد بررسی در این تحقیق را داستان کوتاه و رمان در بر می‌گیرد در ادامه به تعریف تفصیلی این دو ژانر می‌پردازیم:

ب- داستان کوتاه

در اروپا تا اواخر قرون وسطی، نوول به قصه‌ها و حکایات کوتاهی گفته می‌شد که بیشتر جنبه شوخی و مطایبه داشت و موضوع آن اغلب مربوط به مسائل عشقی و روابط جنسی بود. بعد از رنسانس فصلی از کتابی را با عنوان نوول در کتاب‌ها و رساله‌های درسی و دینی نقل می‌کردند و از آن برای مقاصد اخلاقی و تربیتی سود می‌جستند. آنگونه که رضا فرد در صفحات ۱۰ تا ۱۲ کتاب فنون آموزش داستان کوتاه عنوان کرده است داستان کوتاه به شکل و الگوی امروزی در قرن نوزدهم ظهور کرده، اولین بار «ادگار آلن پو» در سال ۱۸۴۲ اصول انتقادی و فنی خاصی را ارائه داد که تفاوت بیان شکل‌های کوتاه و بلند داستان نویسی را مشخص می‌کرد؛ اما بر خلاف اصولی که «پو» ارائه داده بود داستان‌های کوتاهی که در قرن نوزدهم نوشته می‌شد، ساختمان حساب شده و محکمی نداشت و به آنها قصه، طرح، لطیفه و حتی مقاله می‌گفتند. «براندر ماتپوز» منتقد آمریکا، صاحب کتاب فلسفه داستان کوتاه در سال ۱۸۸۵ اولین بار اصطلاح داستان کوتاه را در زبان انگلیسی پیشنهاد کرد و داستان کوتاه را از داستانی که کوتاه شده باشد فرق گذاشت و از آن تاریخ، اصطلاح داستان کوتاه برای گونه‌های متنوع این نوع داستان در زبان انگلیسی متداول شد. «داستان کوتاه ترجمه ایست از short story اصطلاح انگلیسی و مترادف و هم معنی با نوول، اصطلاح فرانسوی. اصطلاح ادبی نوول، پس از نفوذ فرهنگ فرانسوی در ایران برای short story به کار رفت و بعد از اینکه فرهنگ انگلیسی جانشین فرهنگ فرانسوی شد داستان کوتاه به جای آن نشست. داستان کوتاه هم از نظر شکل و ساختار و هم از نظر مضمون و موضوع اختلافات اساسی با رمان و هم معنای «ناول» اصطلاح انگلیسی آن دارد.» (میرصادقی، ۱۳۷۸: ۸۹)

ج- رمان

رمان، مهمترین و معروف ترین شکل تبلور یافته ادبی روزگار است. رمان با «دن کیشوت» اثر (سروانتس) اسپانیایی در خلال سال های ۱۶۱۵-۱۶۰۵ متولد شده است. رمان، روایت منثور داستانی با طول قابل توجه است که در آن شخصیت ها و اعمال، که نماینده زندگی واقعی اند با پیرنگی کمابیش پیچیده به تصویر کشیده شده اند (سرشار؛ ۱۳۷۵: ۶۷). داستان کوتاه، در مقایسه با رمان از جهندگی و انعطاف پذیری بیشتری هم در انتخاب موضوع و هم در انتخاب زمان و شخصیت ها برخوردار است و این کیفیت شکل پذیری و قابلیت انعطاف پذیری خود را با طبیعت متغیر و انعطاف پذیر بشر و تحول جامعه هماهنگ کرده است.

بر اساس گفته محمد رفیع محمودیان، در صفحه ۷۷ کتاب نظریه رمان و ویژگی های رمان فارس، در برخی از فرهنگ ها از داستانی که کمتر از ۱۵۰۰ و حداکثر ۲ هزار کلمه داشته باشد با عنوان داستانتک یا داستان کوتاه کوتاه، داستانی که از ۲ هزار و ۵۰۰ کلمه بیشتر باشد و به ۱۰ هزار کلمه و حداکثر ۱۵ هزار کلمه بالغ شود داستان کوتاه، داستانی که از ۱۵ هزار کلمه تا ۳۰ هزار کلمه دارد داستان بلند و داستانی که ۳۰ هزار تا ۵۰ هزار کلمه دارد ناولت یا رمان کوتاه و داستانی که بیش از ۵۰ هزار کلمه دارد رمان یاد می شود. هر چند کوتاه و بلند بودن داستان (از لحاظ کمی) ملاک تفکیک مناسبی برای داستان کوتاه از رمان نیست. طوری که اگر رمان را خلاصه کنیم داستان کوتاه بدست نمی آید و اگر داستان کوتاه را بسط دهیم رمان حاصل نمی شود. رمان ممکن است قطور باشد اما ضرورتاً تحول و تکوین شخصیت ها و برد عاطفی و گسترش معنوی آنها در آن رعایت شده و به فضا و رنگ داستانی و گسترش زمانی آنها نیز توجه شده است. از این رو مفاهیمی که از آنها می توان داستان کوتاهی ساخت، تاب گسترش مفاهیم رمانی را ندارد و در قالب رمان نمی گنجد. در داستان کوتاه، شخصیتی با شخصیت های دیگر درگیر است، در رمان شخصیت یا شخصیت های داستان با تمامی زندگی رودر رو هستند به همین دلیل اغلب شخصیت های رمان در آخر، آن نیستند که در اول بوده اند و به کلی تحول و دگرگونی پذیرفته اند؛ اما در داستان کوتاه، شخصیت احتیاجی ندارد با زمان پیش برود، حتی ممکن است داستان کوتاه اصلاً شخصیتی نداشته باشد؛ اما رمان بدون شخصیت، اثری خسته کننده است. در رمان، گسترش و پرورش شخصیت ها و تحقق جزء جزء